

پژوهش رازهای عرفانی و متافیزیکی انسان حاضر در نقاشی‌های ایران و هلند قرن ۱۷ میلادی

چکیده

ظهور اندیشه‌های عرفانی - متافیزیکی وام‌گرفته از رنسانس به‌مثابه نوزادی از جهان نامرئی باعث گسترش معنا و پیدا و پنهان‌های بسیاری در نقاشی‌های ایرانی و هلندی قرن ۱۷ میلادی شد. لذا در این بین نیز حس، احساس و حساسیت سه کلمه با بار معنایی بالا وظیفه انعکاس اندیشه‌ها را در نقاشی هنرمندان نقاش قرن ۱۷ میلادی برعهده گرفتند. مخاطب این آثار به شناخت تجربه‌های نو، تا درک مفاهیم متضاد ترغیب شدند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها و همچنین دریافت‌های مستقیم نگارنده از آثار نقاشی انتخابی، حس‌های موجود را به همراه مفهوم زیبایی و امر زیبا، از طریق روش‌شناسی و موقعیت اجتماعی، سیاسی و مذهبی این دو کشور، کنکاش و حتی برای درک تصورات مطبوع، زیبا، خیر و شر که مانند جویباری وسیع از کنار دشت‌ها و جنگل‌ها راه می‌گشاید، رمزگشایی نمود. در این پژوهش ابتدا تأثیرات بصری و بیانی رنسانس بر روی هنر نقاشی بررسی و سپس تحلیل‌های جداگانه‌ای جهت آمادگی ذهنی خواننده، به منظور بیداری و آزادی ذهن و روح او برای درک حضور عرفان و متافیزیک در نقاشی ایرانی و هلندی قرن ۱۷ میلادی صورت پذیرفته است. تمامی مراحل انجام این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی درک حضور عرفان و متافیزیک در نقاشی‌های ایران و هلند قرن ۱۷ میلادی.
۲. مطالعه پویایی ذهن مخاطب نقاشی‌های ایرانی و هلندی قرن ۱۷ میلادی.

سوالات پژوهش:

۱. عرفان و متافیزیک در نقاشی ایران و هلند قرن ۱۷ میلادی چه جایگاهی داشته است؟
۲. پویایی ذهن مخاطب نقاشی‌های ایرانی و هلندی، به چه طریقی امکان‌پذیر است؟

کلیدواژه‌ها: ایران، رنسانس، نقاشی، عرفان، متافیزیک.

مقدمه

از قرن ۱۴ تا ۱۷ م گفتمان‌های گوناگونی در دوره رنسانس شروع و باعث ایجاد تغییراتی در جنبه‌های بصری و بیانی نقاشی ایران و هلند و عصر طلایی برای هنر این کشورها شد. با وجود این که دوره رشد و شکوفایی هنر ایرانی - اسلامی در ایران قرن ۱۷ م به دلیل هنرپروری شاهان صفویه محیا گردید، ولی شاهان صفویه باعث ورود فرنگی‌سازی نیز به ایران شدند و اوج آن در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ م است. البته در همین دوران نوعی علاقمندی به هنر ایرانی در کشور هلند شکل گرفت و تأثیر آن در آثار بعضی از نقاشان هلند قابل مشاهده است. ایران در قرن ۱۷ م هنرش بر بستر مذهب اسلام و شیعه شکل گرفت؛ درحالی که در همین بازه زمانی، هنر کشور هلند دگر در خدمت کلیسا نبود؛ همین عامل باعث خلق جلوه‌های بصری و بیانی متفاوتی از هنر نقاشی عصر طلایی این دو کشور شد. مقاصد سفارش‌دهنده در بیشتر زمان‌ها در راستای اندیشه و مراسم آیینی بوده است. به هر حال با گذشت قرن‌ها و رشد فرهنگی و هنری بشریت، جنبه آیینی - مذهبی جای خود را به تزئینی - مفهومی داد که این خود باعث پیدایش سبک‌های مختلف نقاشی و نشان‌دهنده تغییر دید شاهان صفویه نسبت به موضوعات نقاشی است.

در این دوره، نقاشی‌هایی با حضور پیکر انسانی بدون زمینه‌سازی یا طبیعت خاصی چشمگیر بود و رو به فزونی رفت؛ به عبارت دیگر، نقاشی‌های بازاری رواج پیدا کرد. حال آنکه در کشور هلند نقاشی‌ها با جزئیات زیاد و همراه با مهارت نقاشان، در خدمت افراد ثروتمند بود. در نتیجه جنگ‌های بزرگ، حکومت‌های سلطنتی اختیار اداره امور را برعهده گرفتند. در این بین، هلندی‌ها برخلاف دیگر کشورها، در فکر فتوحات تازه‌ای نبودند و منحصراً در تلاش بودند تا با تجارت بیشتر به منافع بیشتری دست یابند و ارتباط میان اروپا و آسیا را نیز به خود اختصاص بدهند. در این راستا، هنر نیز از این نفوذ و ارتباط فرهنگی مایه گرفت، هم تأثیر گذاشت و هم تأثیر پذیرفت. از طرف دیگر، در هر دو کشور عرفان به گونه متفاوتی بر آثار نقاشان تأثیرگذار بوده است. نیروی نهفته در نقاشی ایرانی به نام زیبایی عرفانی، احساسات مخاطب را به مرزی میان واقعیت و خیال می‌برد؛ درحالی که عرفان در نقاشی هلندی با چاشنی متافیزیک همراه شده است. لذا هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های بصری و بیانی نقاشی‌های عصر طلایی ایران و هلند در دوره رنسانس و نیز تأثیر عرفان در نقاشی‌های این دو کشور در قرن ۱۷ م است؛ در همین راستا، تأثیر دوره رنسانس بر هنر نقاشی در دو کشور ایران و هلند مورد پژوهش قرار گرفت و سپس، اشتراکات عرفانی موجود در هنر نقاشی دو کشور و نیز راه‌کارهای پویایی ذهن مخاطب نقاشی قرن ۱۷ م. در ایران و هلند براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی مطالعه و تحلیل می‌گردد.

در ارتباط با سوابق پژوهشی مرتبط با نقاشی ایران و هلند در قرن ۱۷ م، می‌توان به کتاب «تأثیر شرق بر نقاشی اروپا (۱۸۹۰-۱۹۱۴)»، از پریسا شاد قزوینی (۱۳۸۴)، که به دلایل تأثیرگذاری عناصر اسلامی در آثار هنری اروپا تمرکز کرده است، اشاره داشت. همچنین، کتاب دیگری با عنوان «تأثیر نقاشی اروپایی بر نقاشی ایران از صفویه تا قاجار»، از هدی مقدم‌منش (۱۳۹۸)، به روند تأثیر سبک نقاشی اروپایی، بر روی سبک نقاشی ایرانی پرداخته است. از جمله منابع دیگر در این خصوص می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشدی با عنوان «بررسی المان‌های هنر مدرن در نقاشی‌های مکتب تبریز و اصفهان»، از فرناز نیکوخواجه (۱۳۹۷) اشاره کرد. در بین مقالات نیز پژوهشگرهای بسیاری هستند که به صورت کلی به هنر اروپا و ایران پرداخته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «مناسبات ایران و هلند از دوره صفویه تا زنده» از غلامعلی رجایی (۱۳۸۶)، مقاله دیگری با عنوان «نقاشان اروپایی در ایران دوره صفوی»، از یعقوب

آژند (۱۳۸۳) و نیز مقاله‌ای با عنوان «جان لوکاس ون هاسلت، نقاش هلندی در صفویه اصفهان»، از ویلیام فلور^۱ و فروغ سجادی (۲۰۲۰) نام برد.

نتیجه‌گیری

هنرمند نقاش برای ارتباطی مؤثر با مخاطب اثر به ارتباطی فراتر از علائق زمینی نیاز دارد، پس احتمال این که هنرمند نقاش با بهره‌گیری از عرفان و متافیزیک، بتواند به این ارتباط فراگیر دست پیدا کند، کم نیست. همچنان که هنرمندان نقاش ایرانی و هلندی قرن ۱۷ میلادی با استفاده از همین نکته تا به امروز اثر خود را با موفقیت در مواجهه با مخاطب معاصر به چالش کشیده‌اند. البته ابزار درک حضور لایه‌های فرازمینی در یک اثر نقاشی چشم مخاطب است و پرورش آن برای بازخورد مناسب واجب می‌شود. از مزیت‌های پرورش چشم رفع ابهام‌زدایی و از بین رفتن مرز بین شاهکار و غیرشاهکار در نقاشی است که نتیجه آن همان درک پیام نهفته با مضمون عرفان و متافیزیک می‌شود. ولی مخاطب علاقه‌مند به نقاشی ایرانی و هلندی، برای درک درست، باید از نیروهای متنی حاضر در بطن نقاشی‌ها نیز کمک بگیرد که همان نیروهای مثبت و منفی که منتسب به سنت و مذهب است و در نقش معجزه در تابلوهای نقاشی این دو کشور، بازتولید شده است.

مخاطب طبق عادت ذهنی مغز در برخورد با آثار نقاشی موزه‌ها، گالری‌ها حتی اگر آن اثر مربوط به دوره‌های تأثیرگذار نباشد؛ ولی بازخورد او دقیقاً مشابه زمانی می‌شود که روبه‌روی آثار نقاشی شاهکار ایستاده است، زیرا نقاشی‌ها با همان سپر جادویی خیال، بر روی بال خیال مخاطب می‌نشیند و خود را قابل قبول‌تر از آنچه هست نشان می‌دهد. حال همین نگاه قابل قبول، در زمان خلق اثر توسط ذهن پدیدآورنده نیز، باعث دریافت پاسداشت از سوی پادشاهان، سفارش دهندگان، حتی افراد عادی شده است. البته هنر نقاشی با اشاراتی به رویدادهای مذهبی، سیاسی، اجتماعی، درجات مختلفی ارزشمندی از منظر میراث فرهنگی و زیبایی‌شناسی را دارا است. مانند آثار نقاشی ایرانی و هلندی که دسته‌ای زینت‌بخش و دسته‌ای باعث اعتباربخشیدن به فرهنگ کشور شده‌اند. از قرن ۱۷ میلادی به بعد، وصف زندگی شامل مواردی مانند: زیبایی‌های موجود در طبیعت، دشواری‌های اجتماعی، امیال انسانی، در آثار نقاشی، برای عموم مردم آشناسازی می‌شود؛ لذا اثر نقاشی قرن ۱۷م که من نقاش، در آن نهفته، تحت تأثیر رنسانس و جریان‌های روان آدمی آن زمان، تداعی‌هایی را در وصف زندگی نمایش می‌دهد. روان انسان، بازتابی از گذشته، حال، آینده، به طریقی تناقض‌آمیز همیشه مابین این سه زمان در حال حرکت است.

منابع و مآخذ:

- اسدی امجد، فاضل، یاراحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). منریسم و باروک. تهران: گروه تألیفی دکتر خلیلی.
- امیر راشد، سولماز. (۱۳۹۴). بررسی رویکرد هنرمندان به عرفان و تصوف و تأثیر آن بر شکل‌گیری هنرهای اسلامی. کنفرانس بین‌المللی معماری، شهرسازی، مهندسی شهری، هنر، محیط‌زیست، ۷ مارس ۲۰۱۶، تهران: مؤسسه هنر و معماری.
- باستید، روزه. (۱۳۹۶). هنر و جامعه. ترجمه: غفار حسینی، تهران: توس.

^۱ - Willem Floor

بلیتینگ، هانس و همکاران. (۱۳۹۷). شاهکار هنری چیست. ترجمه: مهشید نونهالی، لیلی گلستان، قاسم رویین، فرزانه معمار، زهرا فلاح شاهرودی، تهران: نظر.

بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۳). فلسفه هنر اسلامی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پانوفسکی، اروین. (۱۳۹۵). معنا در هنرهای تجسمی. ترجمه: ندا اخوان ثالث، تهران: چشمه.

توبن، باب. (۱۳۹۸). فضا، زمان و فراتر از آن. ترجمه: نرگس سعیدی شاد، تهران: امید انقلاب.

تومن، رالف. (۱۳۹۱). تاریخ هنر: رنسانس ایتالیا. ترجمه: سپیده داووی، محمد علائی پوری، تهران: بیهق کتاب.

رامون تریادو، خوان. (۱۳۹۱). راهنمای باروک. ترجمه: نسرین هاشمی، تهران: ساقی.

صفوی، سید سلمان. (۱۳۹۷). ارکان فلسفه هنر اسلامی. تهران: سلمان آزاده.

صنعتی، حسین؛ علی زاده، سجاد و حسینی نقوی، سیدعلی. (۱۳۹۱). مفاهیم حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی. تهران: روان‌شناسی و هنر.

گاردنر، هلن. (۱۳۹۷). هنر در گذر زمان. ترجمه: محمد تقی فرامرزی، تهران: آگاه.

نظری، ماتیس. (۱۳۹۰). جهان دوگانه مینیاتور ایرانی: تفسیر کاربردی نقاشی دوره صفویه. ترجمه: عباس‌علی عزتی، تهران: متن.

نهاماس، الکساندر. (۱۴۰۰). جایگاه زیبایی در عالم هنر: وعده شادکامی و بس. ترجمه: سیدمسعود حسینی، تهران: ققنوس.

ویتاکر، ایمی. (۱۳۹۸). هنر تفکر. ترجمه: حسین صفرزاده، محمد مرندی، تهران: دانش ماندگار عصر.

Goldgar, A. (۲۰۰۷). *Tulipmania (Money, Honor, and Knowledge in the Dutch Golden Age)*, London, The University of Chicago Press.